

بررسی نگرش جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله به ازدواج در شهر کرمانشاه

مریم سپهرآرا*، وکیل احمدی**، جلیل کریمی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۵)

چکیده

در دو دهه اخیر، مضمیق ازدواج و مشکلات اقتصادی خانواده در استان کرمانشاه، در مقایسه با دیگر استان‌های کشور، نمود بیشتری داشته و این امر در نگرش به ازدواج تأثیر داشته است. هدف مطالعه حاضر، بررسی نگرش جوانان به ازدواج است. تحقیق به صورت پیمایشی و با نمونه‌ای ۳۸۴ نفره از جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۹ انجام شده است. بر اساس یافته‌ها، در مجموع، نگرش جوانان شهر کرمانشاه به ازدواج مثبت است. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که میانگین نگرش به ازدواج، در زنان، افراد بی‌همسر بر اثر فوت همسر، افراد شاغل، افراد خانه‌دار، افراد ساکن در محلات با سطح رفاه متوسط و پایین و افراد با قومیت کرد و لک بیشتر بوده و تفاوت معنی‌داری با سایر زیرجمعیت‌ها دارد. تحلیل واریانس/کوواریانس نیز نشان داد که اثر اصلی متغیرهای وضعیت ازدواج، جنسیت و محل سکونت بر نگرش به ازدواج معنی‌دار است. در مجموع، با وجود مشاهده تفاوت میانگین نگرش جوانان به ازدواج در برخی زیرجمعیت‌ها به دلیل آسیب‌های اقتصادی، نوعی هم‌گرایی در نگرش جوانان شهر کرمانشاه به ازدواج وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، جوانان، قومیت، مذهب، جنسیت، کرمانشاه.

* دانشجوی دوره کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

E-mail: sepehrara1369@gmail.com

** استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول).

E-mail: v.ahmadi@razi.ac.ir

*** دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

E-mail: j.karimi@razi.ac.ir

مقدمه

فرایند مدرنیته، ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه را دگرگون ساخته و خانواده نیز، در مقام یک خرده‌نظام سستی، از این تحولات در امان نبوده است. تغییر در میزان‌های مرگ‌ومیر و باروری، ناشی از ورود تکنولوژی‌های پزشکی و بهداشتی به جامعه و خانواده، افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش شهرنشینی، ورود تکنولوژی در نظام اقتصادی و نظام خانواده و نقش آن در تسهیل ورود زنان به بازار کار، تغییر نظام اقتصادی و افزایش بخش خدمات، افزایش تحصیلات به‌ویژه برای زنان و افزایش زمان فراغت اعضای خانواده، بخشی از این تأثیرات را بازگو می‌کند. به بیانی دیگر، نظام خانواده در بُعد عینی (جمعیت‌شناختی) تغییراتی مانند کاهش باروری، کاهش بُعد خانوار، افزایش سن ازدواج، افزایش تجرد قطعی، افزایش طلاق و... و در بُعد ذهنی (فرهنگی) تغییراتی همچون تغییر نگرش نسبت به خانواده و ازدواج، جامعه‌پذیری کودکان، هرم قدرت در خانواده، دموکراسی عاطفی و... به خود دیده است. در مواردی این تغییرات چنان عمیق و جدی بوده است که به قول گرنسهایم^۱ (۱۳۸۸) بسیاری از نظریه‌های گذشته را بی‌فایده و بی‌اثر ساخته است. این تغییرات علاوه بر پیشرفت فناوری خانواده را نیز با چالش‌های فراوانی روبرو ساخته است.

از جمله این تغییرات اجتماعی، در کل کشور و به‌ویژه در شهر کرمانشاه می‌توان به افزایش سن ازدواج و مزیقه ازدواج اشاره کرد. در سه دهه اخیر (۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵) سن ازدواج برای مردان از ۲۳/۹ به ۲۸/۶ سال و برای زنان از ۲۰/۱ به ۲۵/۲ سال افزایش یافته است. در حالی که این شاخص، برای کل کشور، از ۲۳/۲ به ۲۷/۳ سال برای مردان و از ۱۹/۶ به ۲۳/۲ سال برای زنان تغییر کرده است. علاوه بر این، میزان تجرد قطعی، در شهر کرمانشاه، برای مردان از ۲/۱ به ۲/۸۵، و برای زنان ۱/۳ به ۵/۴ درصد رسیده است؛ اما این شاخص نیز در کل کشور برای مردان از ۱/۶ به ۲/۲ درصد و برای زنان از ۱/۴ درصد به ۳/۷ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این تغییر، به‌ویژه در مورد زنان، جدی و قابل تأمل است. همچنین، میزان طلاق در سال ۱۳۹۵، ۲/۶ در هزار و بیشتر از میزان طلاق کل کشور (۲/۲ در هزار) بوده است (سازمان ثبت احوال کل کشور، ۱۳۹۵).

وضعیت اقتصادی و اشتغال عامل مهمی در ازدواج و تشکیل خانواده است و از این نظر نیز

وضعیت استان کرمانشاه، نامناسب‌تر از سایر استان‌ها بوده است. درصد بیکاری از ۱۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۵ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده که دوبرابر رقم کل کشور (۱۲/۵ درصد) است. نکته مهمتر این است که این شاخص برای جوان‌ترهایی که عموماً در سن ازدواج هستند، یعنی ۱۵ تا ۲۴ ساله‌ها، ۴۹/۶ درصد و برای ۲۵ تا ۴۴ ساله‌ها ۲۹/۶ درصد بوده است. به‌علاوه، درصد بیکاری برای جمعیت دارای تحصیلات عالی ۳۲/۴ درصد بوده است. همچنین استان کرمانشاه، در سال ۱۳۹۳، در زمینه نرخ تورم رتبه اول کشور را دارا بوده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۶).

از نظر فرهنگی، استان و شهر کرمانشاه دارای تنوع مذهبی (تشیع، تسنن، اهل حق) و قومی (کرد، لک، فارس) است و به‌نظر می‌رسد آموزه‌های مذهبی و ایستارهای قومی به‌عنوان ساختار فرهنگی جامعه نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده جوانان داشته باشند؛ نفس تفاوت، در جامعه درحال‌گذار، همواره می‌تواند تأثیر بازدارنده داشته باشد. زیرا در شرایطی که مردمان دارای فرهنگ متفاوت با هم دارای تعامل نزدیک هستند، احتمالاً جهت‌گیری‌های ارزشی آنها حالت قطبی‌تری پیدا کرده و شکلی از قوم‌مداری ایجاد می‌کند. در کنار این تفاوت‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کلان فرهنگی و اجتماعی عموماً تمرکزگرا و دارای اولویت‌های خاص ارزشی - که در کرمانشاه نیز کم نبوده - است، خود عاملی برای این جدایی‌گزینی‌ها جلوه کرده است.

مجموع عوامل نامبرده، چه در چارچوب سنت‌های فرهنگی اجتماعی جامعه کرمانشاه، چه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی و چه تحولات کلانی که با عنوان فرایند مدرنیته به آن اشاره شده، همگی تحولاتی را در نگاه و رویکرد افراد، به‌ویژه جوانان به مقولات نهادینه و سنتی، به‌ویژه خانواده و ازدواج به‌همراه داشته است. پدیده‌هایی مانند افزایش سن ازدواج، تجرد قطعی، افزایش طلاق - که خود نتیجه تغییر جایگاه خانواده و فرزندآوری و... است - ازدواج سفید، ازدواج آریایی و... دردمون‌های این دگرگونی‌های اجتماعی هستند. ما در این پژوهش، باتوجه‌به این شاخص‌ها، برآنیم که روی تغییر در نگرش افراد نسبت به ازدواج متمرکز شویم و ضمن توصیف کمیت و کیفیت این وضعیت، برخی عوامل خاص مؤثر بر آن (ازجمله ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی) را هم احصاء کنیم.

چارچوب نظری

جامعه‌شناسان در خصوص تغییرات و دگرگونی‌هایی که در خانواده به وجود آمده است بیشتر به نقش انقلاب صنعتی، مدرنیته و تغییرات ارزشی ناشی از فرایند مدرنیته مانند فیمینسم و غیره اشاره دارند. به گفته ویلیام گود، زمانی که دگرگونی ساختاری در سطح کلان رخ می‌دهد، ساختارهای خرد از جمله خانواده را نیز به اجبار با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق می‌دهد. در این راستا، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود (سگالن، ۱۳۸۵: ۸۵). به گفته پارسونز، توسعه صنعتی نقش مهمی در بروز انشقاق در جامعه دارد. به طوری که، خانواده بسیاری از عملکردهای تولیدی، سیاسی، و دینی خود را از دست می‌دهد و صرفاً به واحد سکونت بدل می‌شود (سگالن، ۱۳۸۵: ۸۸). در نتیجه، خانواده به یک واحد هسته‌ای کوچک تبدیل می‌شود که بر فردگرایی استوار است. به عبارتی، دغدغه‌های فردی افراد به مصالح جمعی ارجحیت پیدا می‌کند. این تغییرات در ازدواج و تشکیل خانواده نیز بی‌تأثیر نیست. افراد در ازدواج بر مبنای سود-فایده عمل می‌کنند. به گونه‌ای که، بدیو معتقد است: «عشقی که ما می‌شناسیم در معرض تهدید است و افراد برای عشق طوری تربیت شده‌اند که از مخاطرات عشق پرهیز کنند و به جای آن از ملاک‌های دنیای مدرن پیروی کنند» (بدیو، ۱۳۹۷: ۱۷). کوپر از تحولات به وجود آمده در خانواده تحت عنوان «مرگ خانواده» نام می‌برد و معتقد است خانواده مانع رشد خویشتن افراد است. به عبارتی، خانواده استثمارکننده بشری است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۲). برناردز در این زمینه می‌گوید: تصور رایجی که از خانواده وجود دارد زن و مرد با دو فرزند سالم است؛ در حالی که خانواده‌ها از درون متلاشی هستند (برناردز، ۱۳۹۶: ۴). گیدنز (۱۳۷۳) تغییرات ازدواج و طلاق در خانواده را در چارچوب تغییرات گسترده جوامع معاصر تبیین می‌کند و استقلال اقتصادی زنان و گرایش فزاینده به ارزیابی ازدواج بر حسب میزان ارضای شخصی در این زمینه اهمیت دارند.

جمعیت‌شناسان تغییرات ازدواج و زناشویی را با نظریه گذار جمعیتی دوم که به نوعی متأثر از جریان تحولات فرهنگی و تغییرات سبک زندگی است تحلیل می‌کنند. گذار جمعیتی دوم اشاره به کاهش تشکیل خانواده و ازدواج، افزایش تشکیل زندگی بدون ازدواج، (به خصوص در تولدهای بالاتر)، افزایش طلاق‌ها (یا گسست پیوندها)، تأخیر در ازدواج و فرزندآوری دارد

(هویم و کوستاوا، ۲۰۰۸: ۳).

الگوهای رفتاری گذار جمعیتی دوم برعکس الگوهای رفتاری گذار جمعیتی اول هستند: تأخیر در باروری منجر به باروری زیر سطح جانشینی می‌شود، ترک کردن خانه پدری دوباره به تعویق می‌افتد، روند ازدواج وارونه می‌شود، همخانگی و باروری در داخل وصلت‌های غیررسمی منجر به باروری غیرنکاحی می‌شود، طلاق و جدایی به تعهدهای طولانی‌مدت پایان می‌دهد، و ازدواج مجدد با رابطه‌های غیررسمی جایگزین می‌شود (لستهاق و نیلز، ۲۰۰۲: ۳۵۰). گذار جمعیتی دارای مراحل است و در هر مرحله جمعیت به‌لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دارای ساخت ویژه‌ای می‌شود مانند کاهش مولید، افزایش سن فرزندآوری، تغییر الگوی سنی باروری، کاهش بُعد خانوار و تغییرات زناشویی و ازدواج مانند افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، کاهش عمومیت ازدواج، و افزایش نسبت مجرد قطعی. این تغییرات جمعیت‌شناختی در خانواده ساختار و یا ریختاری فراهم می‌کند که باعث تغییراتی در ساختار جامعه‌شناختی خانواده می‌شود؛ مانند: کاهش روابط خویشاوندی (کاهش خانواده‌گرایی) در طی چند نسل و کاهش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ناشی از روابط خویشاوندی، افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی به دلیل کاهش روابط خویشاوندی، افزایش پس‌انداز خانواده‌ها، رسیدگی بیشتر والدین به فرزندان، افزایش سطح تحصیلات زنان و مشارکت بیشتر آنان در نیروی کار و در نتیجه استقلال بیشتر آنان، تغییر نگرش نسبت به نابرابری جنسیتی و... (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲).

بدون شک، تغییر در ارزش‌ها و هنجارها بدون توسعه اقتصادی و اجتماعی اتفاق نیفتاده است. افزایش رفاه، افزایش سطح تحصیلات، افزایش سطح مشارکت زنان در نیروی کار عواملی هستند که در ارتباط با گذار جمعیتی دوم بوده‌اند. مطالعه در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی درخصوص تبیین گذار جمعیتی نشان داده است که عوامل ساختاری عامل اصلی این تغییرات بوده‌اند. همچنین برخی شواهد نشان داده است که برخی از این تغییرات، مثلاً افزایش فرزندآوری خارج از ازدواج، در ابتدا در طبقات محروم تجربه شده است. این رفتار جدید به تدریج در سایر گروه‌های اجتماعی نیز سرایت نموده و منجر به تغییر اندیشه‌ای وسیعی در جوامع شده است

1. Hoem & Kostova
2. Lesthaeghe & Neels

(فریجا^۱ و همکاران، ۲۰۰۸: ۸).

مطابق با چارچوب نظری، جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان تغییرات ازدواج و موضوعات مرتبط با آن را ماحصل تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ساختار جامعه و فرد می‌دانند و به‌میزانی که در جامعه و افراد، تغییرات مذکور ایجاد شده باشد تغییرات اندیشه‌ای فراهم می‌شود که جامعه‌محوری به تدریج رنگ باخته و فردگرایی در آن افزایش می‌یابد و افراد دائماً در حال ارزیابی و بازاندیشی در نگرش و کنش‌های خود هستند. ازدواج نیز از این امر مستثنی نیست. بنابراین، نگرش آنها نسبت به ازدواج نیز تغییر پیدا می‌کند.

نسل‌های جدیدتر دارای ارزش‌های متفاوتی هستند. درحالی‌که هنوز ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی در میان نسل‌های پیشین جوامع رواج دارد با جانشین‌شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های گذشته جهان‌بینی متداول در جوامع دگرگون می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲). نگرش‌ها و ارزش‌های افراد جامعه با توجه به مقتضیات و شرایط در حال تغییر محیط (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) و همچنین تجربه‌هایشان در طول فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند. افرادی که در یک شهر زندگی می‌کنند محیط جامعه‌پذیری آنها با توجه به محل سکونت (محل بلای شهر یا پایین شهر)، قومیت و مذهب، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، شیوه تأمین معیشت و شغل آنها متفاوت است و بنابراین، تجربه زیسته متفاوت شهروندان دیدگاه آنها را در خصوص مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متفاوت می‌کند. در خصوص نگرش به تشکیل خانواده و ازدواج نیز این قضیه صادق است. به عبارت دیگر، همه شهروندان به یک میزان و اندازه سنتی و یا مدرن نیستند و تفاوت آنها بسته به جایگاه اجتماعی، اقتصادی محل و خانواده دارد. در این پژوهش نیز فرض شده است به‌میزانی که وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد تغییر پیدا کند؛ تحصیلات بیشتر، وضعیت اقتصادی بهتر، سکونت در محلات با سطح رفاه بالاتر و... نگرش سنتی آنها در مورد ازدواج و موضوعات مرتبط با آن تغییر پیدا می‌کند و ازدواج را کمتر ضروری می‌دانند. پس فرض اصلی پژوهش به این شرح است که نگرش افراد به ازدواج بر حسب محلات (به لحاظ سطح رفاه و توسعه) و ویژگی‌های فردی (سن و جنسیت)، اجتماعی (تحصیلات و وضعیت ازدواج)، اقتصادی (وضعیت فعالیت و درآمد) و فرهنگی (قومیت و مذهب) متفاوت است.

پیشینه تحقیق

باتوجه به تغییرات جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی خانواده در ایران، درباره نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده مطالعات زیادی انجام شده است که می‌توان بر حسب مسئله پژوهش و جامعه آماری، آنها را دسته‌بندی کرد. برخی صرفاً بر سنجش نگرش به ازدواج تمرکز داشته‌اند، اما جامعه آماری آنها متفاوت بوده است. آقاسی و فلاح مین باشی (۱۳۹۴) در پژوهشی با جامعه آماری زنان مجرد مراکز ده استان کشور نشان داده است که ۶۶/۱ درصد پاسخگویان ازدواج را امری ضروری دانسته و تنها ۱۴/۱ درصد پاسخگویان آن را لازم ندانسته‌اند. سیف‌زاده و برزبان (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با جامعه آماری دانشجویان دانشگاه پیام نور شهر محلات به این نتیجه رسیدند که دانشجویان دیدگاه مثبتی به ازدواج داشته‌اند و نگرش آنها بر حسب دین، سن و تحصیلات تفاوتی نداشته است.

برخی مطالعات بر عوامل مؤثر بر نگرش به ازدواج تمرکز داشته‌اند؛ مجدی و رضایی (۱۳۹۰) با جامعه آماری دانشجویان مجرد دانشگاه فردوسی مشهد به این نتیجه رسیدند که نگرش به زن، رضایت از زندگی، رابطه والدین با یکدیگر و نگرش دوستان درباره ازدواج بر نگرش به ازدواج تأثیرگذار است. پورافکاری و همکارانش (۱۳۹۱) در تحقیقی با جامعه آماری دانشجویان ۲۵- ۱۸ ساله دانشگاه تهران به این نتیجه رسیدند که میان درون‌گرایی و برون‌گرایی، سلطه‌پذیری، سن، دیدگاه و عقاید مذهبی و نگرش ازدواج رابطه وجود دارد. آشفته و جهانگیری (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با جامعه آماری دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی از مؤلفه‌های مؤثر و مرتبط با نگرش به ازدواج هستند.

کشورهای توسعه‌یافته از دهه ۱۹۷۰ به بعد تحولات خانواده را تجربه کرده و بنابراین، مسئله پژوهش‌های آنها درخصوص تحولات خانواده با کشور ایران متفاوت است. این کشورها با مسائلی مانند تجرد قطعی، ازدواج سفید، فرزندآوری قبل از ازدواج، تک‌همسری پی در پی و مسائل مرتبط با آن و... مواجه هستند. نتایج موج هفتم پیمایش جهانی ارزش‌ها و نگرش‌ها به‌خوبی این وضعیت را نشان داده است. در کشورهایی مانند فرانسه، آلمان و سوئد که تحولات خانواده (گذار جمعیتی اول و دوم) را تجربه کرده‌اند، میزان اهمیت خانواده برای آنها کمتر از ۹۰ بوده است؛ درحالی‌که این شاخص برای کشورهای ایران و اندونزی (در حال تجربه گذار

جمعیتی) بین ۹۳ تا ۹۸ و برای کشور نیجریه (ابتدای شروع گذار جمعیتی) ۹۸/۴ درصد بوده است. درصد گویه «طلاق موجه نیست» برای پاسخگویان کشورهای فرانسه و آلمان ۵ تا ۶ درصد، برای ایران و اندونزی ۴۰ تا ۵۰ درصد و برای کشور نیجریه نزدیک ۶۰ درصد بوده است. درصد گویه «همجنس‌خواهی موجه نیست» برای کشور فرانسه و آلمان ۱۰ تا ۱۳ درصد، ایران و اندونزی ۷۵ تا ۸۵ درصد و نیجریه بیش از ۸۰ درصد بوده است (پیمایش جهانی ارزش‌ها^۱، ۲۰۲۰).

مالهوترا^۲ و همکارانش (۱۹۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «مادران، دختران، ازدواج» نشان دادند که نگرش دختران و مادران‌شان نسبت به ازدواج مدرن شده و در تبیین این وضعیت، استفاده از رسانه‌ها مهم بوده است؛ به گونه‌ای که در بستر جامعه‌ای که فرصت‌های تحصیلی و رفاه اجتماعی برای زنان در دسترس باشد، مادران و دختران بر ابعاد فردی ازدواج تأکید دارند تا ابعاد خانوادگی.

مارتین^۳ و همکارانش (۲۰۰۳) در پژوهشی تحت عنوان «بیان نگرش نوجوانان به زندگی خانوادگی» نشان دادند که اکثریت پاسخگویان نگرش مثبتی به رابطه جنسی قبل از ازدواج داشته، و بیشترین آن‌ها نیز قبل از ازدواج، رابطه جنسی داشته‌اند.

بررسی پیشینه‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های داخلی درخصوص بررسی نگرش به ازدواج، با جامعه آماری خاصی، و اغلب با دانشجویان به خاطر در دسترس بودن آنها، انجام شده است. اما پیشینه‌های خارجی در این مورد متفاوت از پژوهش‌های داخلی بوده‌اند و جامعه آماری آنها کل جوانان بوده است. همچنین اغلب آنها نگرش جوانان مجرد را نسبت به ازدواج بررسی کرده‌اند؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر علاوه بر سنجش نگرش به ازدواج، نگرش جوانان در زمینه ازدواج بر حسب ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی (قومیت و مذهب) نیز مقایسه شده است.

-
1. World Value Survey
 2. Malhotra
 3. Martin

روش تحقیق و داده‌ها

رویکرد این پژوهش کمی بوده و در سال ۱۳۹۹ به شیوه پیمایشی انجام شده است. همچنین این مطالعه از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. ذکر این نکته لازم است که در این پژوهش به جای شاخص تمایل به ازدواج، شاخص نگرش به ازدواج مورد سنجش واقع شده است؛ بنابراین، جامعه آماری مطالعه به جای جوانان هرگز ازدواج نکرده، کلیه جوانان در نظر گرفته شده است و تفاوت نگرش آنها نسبت به ازدواج بر حسب وضعیت ازدواج نیز مورد مقایسه قرار گرفته است. لذا جامعه آماری، همه جوانان ۲۰-۳۵ ساله شهر کرمانشاه بوده‌اند که بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد آن‌ها ۳۱۰۲۲۳ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد گردید. در این پژوهش از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. به این نحو که شهر کرمانشاه بر حسب سطح توسعه به چهار خوشه بالا (۲۲ بهمن)، متوسط رو به بالا (الهیه، فرهنگیان) متوسط رو به پایین (مسکن، تعاون) و پایین (دولت‌آباد، جعفرآباد، مهدیه) تقسیم گردید. در هر خوشه چند بلوک و از هر بلوک یک کوچه انتخاب و از ابتدای کوچه پلاک‌های زوج انتخاب شد. هر خانه که جوان ۲۰ تا ۳۵ سال نداشت، نمونه از خانه بعدی انتخاب شد.

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده گردید و اعتبار صوری شاخص نگرش به ازدواج توسط داوران گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه تأیید شد. برای بررسی پایایی شاخص نگرش به ازدواج نیز از تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ شد. در جدول ۱ تعریف عملیاتی شاخص نگرش به ازدواج و همچنین نتایج پایایی آن با آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی آمده است. سنجش متغیرها با استفاده طیف لیکرت (اصلاً تا خیلی زیاد با نمره ۰ تا ۵) انجام شده است. برای توصیف نگرش به ازدواج از میانگین نگرش پاسخگویان استفاده شده است و باتوجه به نرمال بودن توزیع داده‌های متغیر نگرش به ازدواج، برای مقایسه نگرش پاسخگویان بر حسب ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی از آزمون‌های پارامتری مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل (T) و بیش از دو گروه مستقل (F) استفاده شده است. همچنین برای بررسی اثر تعاملی بین متغیرهای مستقل و وابسته از تحلیل واریانس/کوواریانس تک‌متغیره (باتوجه به وجود یک متغیر وابسته) استفاده شده است.

در این پژوهش، متغیر وابسته نگرش به ازدواج بوده است و متغیرهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، به‌عنوان تبیین‌کننده‌های نگرش به ازدواج، به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند که شامل متغیرهای زیر هستند:

متغیرهای فردی: سن (به سه طبقه ۲۰-۲۵ سال، ۲۵-۳۰ سال و ۳۰-۳۵ سال)، جنس (مرد و زن).

متغیرهای اقتصادی: وضعیت فعالیت (شاغل، خانه‌دار، دانشجو و بیکار)، سطح درآمد (درآمد کم (تا ۴ میلیون تومان)، درآمد متوسط (۴ میلیون تا ۸ میلیون تومان) و درآمد زیاد (بیشتر از ۸ میلیون تومان)).

متغیرهای اجتماعی: وضعیت ازدواج (هرگز ازدواج نکرده، دارای همسر، بی‌همسر بر اثر فوت همسر، بی‌همسر بر اثر طلاق همسر)، تحصیلات (سیکل، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکتری)، محل سکونت بر حسب سطح رفاه (بالا (۲۲ بهمن)، متوسط رو به بالا (الهیه، فرهنگیان)، متوسط رو به پایین (مسکن، تعاون) و پایین (دولت‌آباد، جعفرآباد، مهدیه).
متغیرهای فرهنگی: قومیت (فارس، کرد، لک) و مذهب (شیعه - سنی - اهل حق).

جدول ۱: تعریف عملیاتی نگرش به ازدواج و نتایج تحلیل عاملی و آلفای کرونباخ

شاخص	گویه	بارعاملی	آلفای کرونباخ
	ازدواج تعهدی مادام‌العمر	۰/۸۹	
نگرش به ازدواج	حفظ زندگی زناشویی به هر شکل	۰/۷۱	۰/۷۵
	پایبندی به آداب و رسوم ازدواج ازدواج مانعی برای پیشرفت	۰/۸۱ ۰/۶۰	

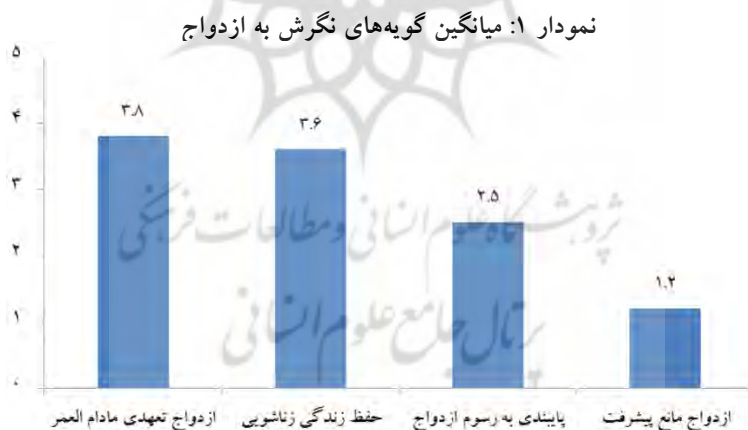
یافته‌ها

ابتدا ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پاسخگویان توصیف شده است تا در تحلیل نگرش جوانان به ازدواج مورد استفاده قرار گیرد.

از تعداد ۳۸۴ پاسخگو، ۴۹/۲ درصد مرد و ۵۰/۸ درصد زن بوده‌اند. ۵ درصد کمتر از دیپلم، ۳۳ درصد دیپلم و ۶۲ درصد تحصیلات دانشگاهی داشتند. از نظر مذهب، ۷۸ درصد شیعه، ۱۳ درصد سنی و ۹ درصد اهل حق بودند. از نظر قومیت، ۶۵ درصد کرد، ۱۹ درصد فارس و ۱۳

درصد لک بودند. به لحاظ وضعیت ازدواج و زناشویی، ۵۳ درصد مجرد، ۳۹ درصد دارای همسر، ۶/۹ درصد بی همسر بر اثر طلاق و ۱/۶ درصد بی همسر بر اثر فوت بودند. از نظر سطح درآمد، ۲۷/۳ درصد دارای درآمد پایین (کمتر از ۴ میلیون تومان)، ۶۵/۱ درصد دارای درآمد متوسط (۴ تا ۸ میلیون تومان) و ۷ درصد دارای درآمد بالا (بیش از ۸ میلیون تومان) بودند. زنان نسبت به مردان تحصیلات کمتری داشتند. نسبت تحصیلات اهل حق، قوم لک و محلات با سطح توسعه پایین و متوسط پایین، کمتر از بقیه بود. پاسخگویان در محلات متوسط به بالا و بالا بیشتر از بقیه محلات، مزدبگیر دولتی بودند و همین وضعیت برای اهل حق و قوم لک نیز وجود داشت. پاسخگویان اهل حق و سنی مذهب و قوم لک بیشتر در محلات با سطح توسعه پایین ساکن بودند. پس می توان به نوعی جداگزینی قومی و مذهبی را در شهر کرمانشاه مشاهده کرد.

در نمودار ۱، نگرش پاسخگویان به ازدواج آمده است. بر اساس نتایج، نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده و پایبندی به آن در میان جوانان شهر کرمانشاه در حد متوسط روبه بالا است و میانگین نمره گویه «ازدواج مانع پیشرفت» نیز بسیار کم بود. لازم به ذکر است که این گویه برعکس گویه های دیگر طرح شده است و میانگین ۱/۲ اگر هم جهت گویه های دیگر شود، ۳/۸ است.



در ادامه، برای توصیف دقیق تر نگرش جوانان به ازدواج با استفاده از تحلیل واریانس میانگین نگرش به ازدواج جوانان بر حسب ویژگی های فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد آزمون قرار گرفته است. باتوجه به نتایج مندرج در جدول ۲، نگرش جوانان نسبت به ازدواج بر حسب جنسیت، قومیت، محل سکونت، وضعیت ازدواج و وضعیت فعالیت متفاوت است. زنان بیشتر

از مردان، پاسخگویان دارای همسر و همچنین بی همسر بر اثر فوت همسر، زنان خانه دار و پاسخگویان محلات متوسط پایین (تعاون، مسکن) نسبت به سایر محلات نگرش مثبت تری به ازدواج دارند. پاسخگویان فارس نسبت به کردها و لکها نگرش منفی تری نسبت به ازدواج داشته اند. به نظر می رسد در کرمانشاه، باورها و ارزش های سنتی نسبت به ازدواج در میان قومیت فارس کم رنگ تر از گروه های دیگر است. میانگین نگرش به ازدواج بر حسب سن، تحصیلات و مذهب متفاوت نبوده است.

جدول ۲: نگرش به ازدواج بر حسب ویژگی های پاسخگویان

ویژگی	زیر جمعیت	تعداد	میانگین (۰-۵)	آزمون F	سطح معنی داری
جنس	مرد	۱۹۵	۳/۱۴	۲/۴	۰/۰۱
	زن	۱۸۹	۳/۳۵		
سن	۲۵-۲۰	۱۳۵	۳/۱۸	۰/۴۱	۰/۶۶
	۳۰-۲۵	۱۰۸	۳/۲۶		
	۳۵-۳۰	۱۴۰	۳/۲۸		
قومیت	کرد	۲۵۲	۳/۳۳	۱۱/۳	۰/۰۱
	لک	۵۰	۳/۲۶		
	فارس	۷۳	۲/۹۳		
مذهب	شیعه	۲۹۹	۳/۲۶	۰/۶۸	۰/۵۰۷
	سنی	۵۱	۳/۱۰		
	اهل حق	۳۴	۳/۳۰		
محل سکونت	پایین	۹۷	۳/۱۷	۳/۳۷	۰/۰۰
	متوسط پایین	۹۷	۳/۵۶		
	متوسط بالا	۱۰۰	۳		
وضعیت ازدواج	ازدواج نکرده	۲۰۳	۳/۱۶	۱۹/۰۲	۰/۰۰۰۱
	دارای همسر	۱۴۹	۳/۵۲		
	فوت همسر	۶	۳/۷۵		
تحصیلات	طلاق همسر	۲۵	۲/۱۳	۱/۳۷	۰/۲۴۲
	سیکل	۱۹	۳/۵۲		
	دیپلم	۱۲۸	۳/۲۷		
	فوق دیپلم	۱۹	۲/۹۰		
	لیسانس	۱۵۷	۳/۱۸		
فوق لیسانس و دکتری	۶۱	۳/۳۵	۳/۳۰	۰/۰۲۱	
شاغل	۲۱۵	۳/۳۰			
بیکار	۷۹	۳/۰۲			
فعالیت	دانشجو	۴۷	۳/۰۸	۳/۵۱	۰/۰۲۱
	خانه دار	۴۳	۳/۵۱		

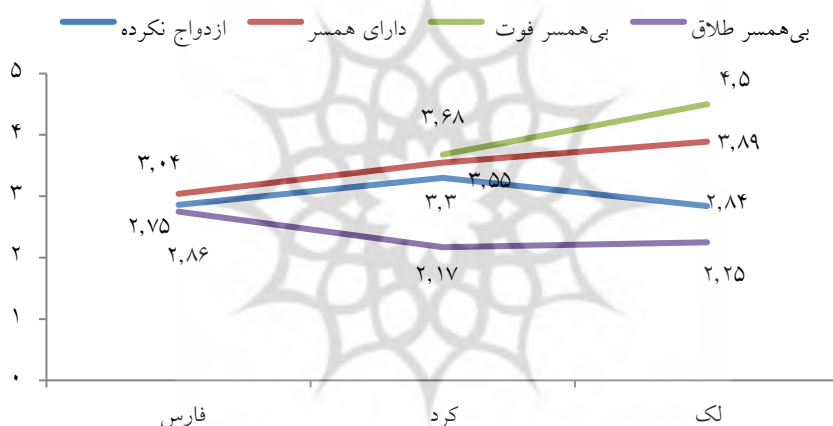
در ادامه، علاوه بر تحلیل واریانس یک طرفه، برای بررسی اثر تعاملی متغیرهای مستقل بر یکدیگر از تحلیل واریانس/کوواریانس تک متغیره استفاده شده است. در این آزمون متغیر وابسته نگرش به ازدواج و متغیرهای مستقل شامل جنسیت، قومیت، وضعیت ازدواج، محل سکونت و وضعیت فعالیت بوده است که در آزمون تحلیل واریانس یک طرفه معنی دار بوده‌اند. نتایج تحلیل چندمتغیری نشان داد که اثر اصلی متغیرهای مستقل وضعیت ازدواج، محل سکونت و جنسیت معنی دار بوده اما اثر اصلی قومیت و وضعیت فعالیت معنی دار نشده است. بررسی اثر تعاملی دوه‌دو متغیرها نشان داد که اثر تعاملی وضعیت ازدواج/قومیت، وضعیت ازدواج/جنسیت، قومیت/وضعیت فعالیت و جنسیت/وضعیت فعالیت معنی دار شده است که نتایج آنها در نمودارها آمده قابل مشاهده است. بقیه اثرات تعاملی دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه معنی دار نشده‌اند. مجذور اتا نشان داده است که تقریباً ۳۰ درصد واریانس متغیر وابسته نگرش به ازدواج توسط متغیرهای مستقل در مدل تبیین شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس/کوواریانس تک متغیره

تعامل	درجه آزادی	مقدار F	سطح معنی داری	مجذور اتا
وضعیت ازدواج	۳	۱۰/۵۷	۰/۰۰۰۱	۰/۱۰۷
محل سکونت	۳	۴/۷۳	۰/۰۰۳	۰/۰۵۱
قومیت	۲	۲/۴۰	۰/۰۹۳	۰/۰۱۸
جنسیت	۱	۷/۲۸	۰/۰۰۷	۰/۰۲۷
وضعیت فعالیت	۳	۲/۵۷	۰/۰۵۴	۰/۰۲۸
وضعیت ازدواج* محل سکونت	۷	۱/۶۳	۰/۱۲۶	۰/۰۴۱
وضعیت ازدواج* قومیت	۴	۲/۵۷	۰/۰۳۹	۰/۰۳۷
وضعیت ازدواج* جنسیت	۲	۴/۶۹	۰/۰۱۰	۰/۰۳۴
وضعیت ازدواج* وضعیت فعالیت	۵	۱/۸۵	۰/۱۰۲	۰/۰۳۴
محل سکونت* قومیت	۵	۱/۷۴	۰/۱۲۶	۰/۰۳۲
محل سکونت* جنسیت	۳	۰/۷۳	۰/۵۳۲	۰/۰۰۸
محل سکونت* وضعیت فعالیت	۹	۰/۸۷	۰/۵۵۳	۰/۰۲۹
قومیت* جنسیت	۲	۰/۸۸	۰/۴۱۶	۰/۰۰۷
قومیت* وضعیت فعالیت	۶	۲/۳۰	۰/۰۳۴	۰/۰۵۰
جنسیت* وضعیت فعالیت	۲	۶/۳۰	۰/۰۰۲	۰/۰۴۶
مجذور اتا: ۰/۴۹۹				مجذور اتا تعدیل یافته: ۰/۲۹۸

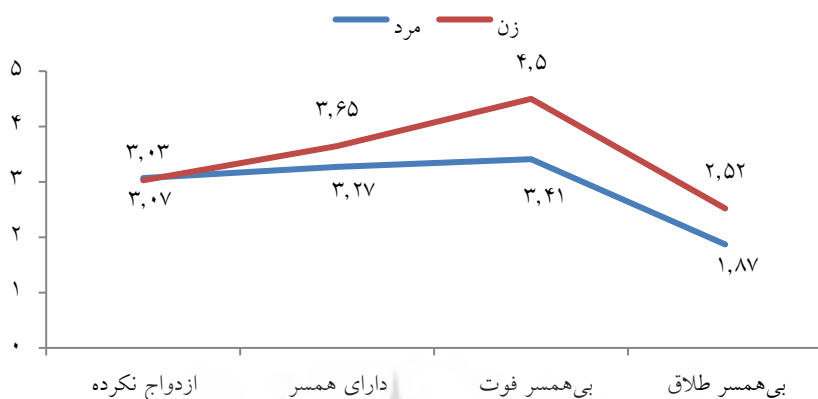
در نمودار ۲، اثر تعاملی متغیرهای قومیت و وضعیت ازدواج بر نگرش به ازدواج نشان داده شده است. همچنان که مشخص است، میانگین نگرش افراد با قومیت فارس در همه وضعیت‌های ازدواج نزدیک به هم بوده است. میانگین نگرش به ازدواج افراد هرگز ازدواج نکرده کمتر از افراد دارای همسر بوده است و در این زمینه تفاوت معنی‌داری بین پاسخگویان با قومیت فارس، کرد و لک وجود نداشته است. تفاوت اصلی بین میانگین نگرش به ازدواج افراد بی‌همسر بر اثر قومیت همسر قوم لک (۴/۵) که میانگین بالاتری داشته‌اند با افراد بی‌همسر بر اثر طلاق قومیت کرد (۲/۱۷) و لک (۲/۲۵) بوده است که میانگین کمتری داشته‌اند.

نمودار ۲: توزیع میانگین نگرش به ازدواج قومیت فارس، کرد و لک بر حسب وضعیت ازدواج



در نمودار ۳، اثر تعاملی متغیرهای جنسیت و وضعیت ازدواج بر نگرش به ازدواج نشان داده شده است. میانگین نگرش به ازدواج افراد ازدواج نکرده و دارای همسر بین زن و مرد تفاوت چندانی نداشته است. اما تفاوت میانگین نگرش به ازدواج افراد بی‌همسر بر اثر طلاق و فوت بین زن و مرد متفاوت بوده است. بیشترین تفاوت میانگین نگرش به ازدواج، بین زنان بی‌همسر بر اثر فوت همسر (۴/۵) و مردان بی‌همسر بر اثر طلاق (۱/۸۷) بوده است.

نمودار ۳: توزیع میانگین نگرش به ازدواج مرد و زن بر حسب وضعیت ازدواج



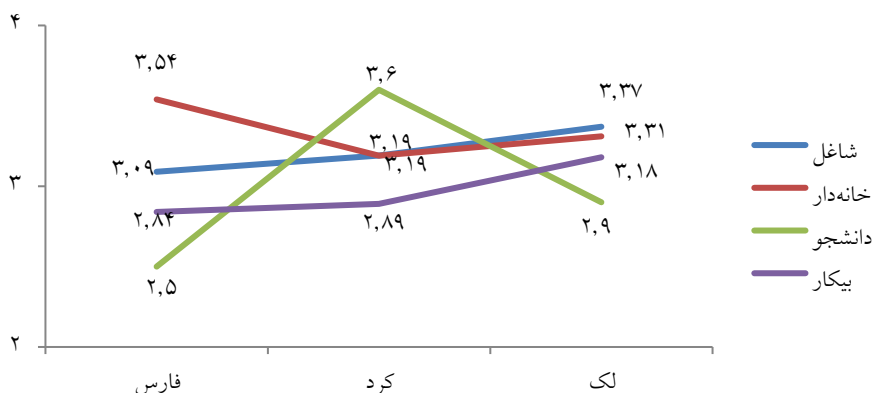
در نمودار ۴، اثر تعاملی متغیرهای جنسیت و وضعیت فعالیت بر نگرش به ازدواج نشان داده شده است. بیشترین تفاوت میانگین نگرش به ازدواج در نمودار مربوط به زنان خانه‌دار (۲/۲۸) و زنان شاغل (۳/۳۷) مشاهده می‌شود.

نمودار ۴: توزیع میانگین نگرش به ازدواج مرد و زن بر حسب وضعیت فعالیت



نمودار ۵ اثر تعاملی متغیرهای قومیت و وضعیت فعالیت بر نگرش به ازدواج را نشان می‌دهد. وضعیت فعالیت در نگرش به ازدواج قومیت لک تفاوت چندانی ایجاد نکرده اما برای قومیت فارس و کرد تفاوت محسوس است و بیشترین تفاوت بین افراد دانشجو (۲/۵) و خانه‌دار (۳/۵۴) قومیت فارس و همچنین دانشجویان قوم کُرد (۳/۶) بوده است.

نمودار ۵: توزیع میانگین نگرش به ازدواج قومیت فارس، کرد و لک بر حسب وضعیت فعالیت



بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی نگرش جوانان شهر کرمانشاه به ازدواج بوده است. یافته‌ها نشان داد؛ نگرش جوانان شهر کرمانشاه نسبت به ازدواج مثبت است که در راستای نتایج مطالعات قبلی، از جمله مطالعه سیف‌زاده و برزیان (۱۳۹۳) و آقاسی و فلاح مین باشی (۱۳۹۴) است. تحلیل دومتغیره (تحلیل واریانس) نشان داده که برخی ویژگی‌های افراد مانند جنسیت، وضعیت ازدواج، قومیت، محل سکونت و وضعیت فعالیت بیش از ویژگی‌های دیگری مانند درآمد، مذهب، سن و تحصیلات در تفاوت نگرش به ازدواج نقش دارند. نتایج نشان داد که زنان نسبت به مردان نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند. در این رابطه می‌توان گفت که علی‌رغم افزایش سرمایه تحصیلی زنان، همچنان این سرمایه تبدیل به سرمایه اقتصادی و فرهنگی در آنان نشده است و استقلال اقتصادی پیدا نکرده‌اند. بنابراین، برای تأمین معیشت همچنان اعتقاد بیشتری به تشکیل خانواده و ازدواج دارند. علاوه‌براین، ساختار اجتماعی جامعه نیز همچنان از دیدگاه خانواده‌محوری حمایت می‌کند. نگرش جوانان بر حسب سن نشان داد که اگرچه سنین پایین‌تر (متولدین دهه ۱۳۸۰) نگرش مثبت کمتری به ازدواج داشته‌اند، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنی‌دار نیست. شاید به دلیل اینکه دامنه سنی پژوهش که ۲۰ تا ۳۵ ساله بوده است یک نسل محسوب شده و تفاوت نسلی، که در پژوهش‌ها دلیل تفاوت نگرش در ازدواج محسوب می‌شود، در اینجا وجود نداشته است.

نگرش جوانان نسبت به ازدواج بر حسب وضعیت ازدواج نیز متفاوت نشان داده شد. به نحوی که افراد دارای همسر نگرش مثبت تری نسبت به ازدواج دارند. اما در این زمینه، بین افراد بی همسر بر اثر طلاق که نگرش منفی به ازدواج دارند و افراد بی همسر بر اثر فوت همسر که نگرش مثبتی به ازدواج دارند، تفاوت معنی دار بود.

بررسی نگرش جوانان به ازدواج بر حسب سطح تحصیلات نشان داد که علی رغم بیشتر بودن میانگین نگرش افراد با سطح تحصیلات کمتر از دیپلم نسبت به سایر سطوح تحصیلی، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنی دار نیست. در مورد طبقات درآمدی نیز اگرچه افراد با سطح درآمد پایین میانگین نگرش به ازدواج بیشتری دارند اما این تفاوت معنی دار نیست. میانگین نگرش به ازدواج بر حسب محله سکونت متفاوت بوده و کسانی که در محلات با سطح رفاه بالاتر زندگی می کنند نگرش مثبت تری به ازدواج دارند که این یافته به نوعی دیدگاه محافظه کارانه و حمایت از سنت ها در طبقه بالا را تأیید می کند. اما میانگین نگرش به ازدواج در بین افراد ساکن محلات با سطح رفاه پایین و محروم و همچنین محلات با سطح رفاه متوسط روبه بالا کمتر بود که در مورد محلات متوسط به بالا می توان به جایگاه طبقاتی آنها که بیشتر از طبقه متوسط هستند اشاره نمود. این طبقه به واسطه تحصیلات آکادمیک و مشاغل مرتبط با آن، با تغییر نگرش ها و ارزش ها و تغییرات اندیشه ای سعی در بهبود جایگاه طبقاتی خود دارند و بنابراین، نگرش مثبتی به تشکیل خانواده و ازدواج ندارند. در مورد محلات محروم نیز می توان به مشکلات اقتصادی که توان تشکیل خانواده را از آنها گرفته است اشاره نمود که زمینه ساز نگرش منفی به خانواده و ازدواج شده است.

بررسی نگرش جوانان بر حسب وضعیت فعالیت نیز نشان داد کسانی که دانشجو و بیکار هستند در مقایسه با افراد شاغل و خانه دار از میانگین نگرش به ازدواج کمتری برخوردارند که این وضعیت نشان از تأثیر مضیق اقتصادی بر نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده دارد.

طبق نتایج، نگرش جوانان به ازدواج بر حسب مذهب چندان متفاوت نبود. یافته های عدم تفاوت نگرش به ازدواج بر حسب مذهب در مطالعه سیف زاده و برزیان (۱۳۹۳) نیز تأیید شده است. علی رغم تأکید بر تأثیر آموزه های مذهبی در تغییر نگرش به ازدواج و سیاست گذاری های رسمی در این زمینه در ایران، یافته های این پژوهش برخلاف این گزاره است. لذا یا نگرش های مذهبی در این زمینه تغییر پیدا کرده است و یا اینکه مقولات ازدواج و زناشویی برای جامعه

امروز در برساخت مقوله هویت مذهبی نقش چندانی نداشته است که نیازمند مطالعه بیشتر است. نتایج نشان داد که نگرش جوانان نسبت به ازدواج بر حسب قومیت نیز متفاوت است و در این زمینه، پاسخگویان فارس و لک در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند. همچنین میانگین نمره پاسخگویان کُرد در حد وسط این دو گروه قومی قرار دارد. پاسخگویان قوم لک نگرش مثبتی به ازدواج داشته‌اند. همانند نقش مذهب، در راستای برساختن مقوله هویت در اینجا بر خلاف مذهب، مقولات مربوط به ازدواج و زناشویی نقش بیشتری در برساخت هویت قومی داشته‌اند و به همین خاطر قومیت به تفاوت نگرش منجر شده است. در این راستا، مطالعات ازدواج و تشکیل خانواده باید در این زمینه بسط داده شوند.

در تحلیل کواریانس/واریانس اثر اصلی متغیرهای جنسیت، وضعیت ازدواج و محل سکونت معنی‌دار شدند و اثر تعاملی متغیرهای وضعیت ازدواج/قومیت، وضعیت ازدواج/جنسیت، قومیت/وضعیت فعالیت و جنسیت/وضعیت فعالیت نیز معنی‌دار شدند. با بررسی دقیق‌تر طبقات متغیرها مشخص شد که میانگین نگرش به ازدواج افراد بی‌همسر بر اثر فوت همسر قوم لک بیشتر بوده و تفاوت معنی‌داری با میانگین نگرش به ازدواج افراد بی‌همسر بر اثر طلاق قوم لک و کرد دارد، که در تعامل با جنسیت مشخص شد نگرش زنان بی‌همسر بر اثر فوت همسر قوم لک این تفاوت را ایجاد کرده است. در مورد معنی‌دار بودن اثر تعاملی وضعیت فعالیت با قومیت و جنسیت، نتایج نشان داد که تفاوت مربوط به میانگین نگرش به ازدواج دانشجویان فارس (نگرش کم) با دانشجویان کُرد (نگرش زیاد) و همچنین به تفاوت میانگین نگرش به ازدواج مردان بیکار و زنان دانشجو (نگرش کم) با زنان بیکار و مردان دانشجو (نگرش زیاد) است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که به غیر از اثرات تعاملی ذکر شده، بر حسب ویژگی‌های فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تفاوت چندانی بین نگرش به ازدواج جوانان در شهر کرمانشاه دیده نمی‌شود و شاید بتوان گفت هرچند برخی آسیب‌های اقتصادی باعث تفاوت در نگرش به ازدواج برخی زیرجمعیت‌ها شده است، اما نوعی هم‌گرایی در زمینه نگرش به ازدواج جوانان در شهر کرمانشاه وجود دارد.

در مجموع، درباره نگرش جوانان به ازدواج در شهر کرمانشاه می‌توان گفت تغییرات اقتصادی و اجتماعی که جامعه‌شناسان (گود، پارسونز، گرنسهایم و...) به آن اشاره دارند، مانند شهرنشینی و صنعتی‌شدن و تغییر سبک زندگی ملازم با آن به همراه افزایش تحصیلات و اشتغال

برای زنان باعث تغییراتی در ساختار خانواده و نگرش به خانواده و ازدواج شده است، اما تاکنون خانواده، تغییرات مذکور در زمینه ازدواج و زناشویی ناشی از فرایند گذار جمعیتی دوم (لستهاق و نیلز ۲۰۰۲) را تجربه نکرده است. اگر چه افزایش سن ازدواج، افزایش میزان طلاق و کاهش باروری به زیر سطح جانشینی اتفاق افتاده و در نگرش نسل جوان تر و طبقات محروم تر تغییرات اندکی دیده می شود، اما تغییرات اساسی در زمینه روابط غیررسمی ازدواج هنوز فراگیر نشده است. در رابطه با تغییرات نگرش به ازدواج طبقات محروم می توان به تجربه برخی تغییرات ازدواج و زناشویی در اروپای شرقی که بیشتر از جانب طبقات محروم بوده (فریکا، ۲۰۰۸) اشاره کرد. در ایران نیز اگر شرایط ازدواج برای جوانان طبقات پایین فراهم نشود بستر و زمینه تغییرات ازدواج و زناشویی مانند روابط غیررسمی ازدواج و... فراهم می شود؛ یا به عبارت دیگر، برخی تغییرات در زمینه ازدواج و زناشویی جدا از تغییر نگرش های فرهنگی و اجتماعی به دلیل پیامدهای اقتصادی است.

منابع

- احمدی، وکیل (۱۳۹۰). بررسی تحولات خانواده در طی فرایند گذار جمعیتی با تأکید بر کشور ایران، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- احمدی، وکیل، وحید قاسمی و شهلا کاظمی پور (۱۳۹۱). بررسی نقش گذار جمعیتی در تغییرات جامعه شناسی خانواده، فصلنامه مطالعات زنان، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۱۰۲-۸۱.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- آزاد ارملی، تقی (۱۳۸۶). جامعه شناسی خانواده ایرانی، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه ها، انتشارات سمت.
- آشفته، کژال و جهانگیر کرمی (۱۳۹۷). پیش بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگی های شخصیتی، سبک های دلبستگی و جو خانوادگی در دانشجویان دختر مجرد دانشگاه رازی، رویش روان شناسی، شماره ۳۲، صص ۳۷۴-۳۵۵.
- آفاسی، محمد و فاطمه فلاح مین باشی (۱۳۹۴). نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده، پژوهشنامه زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۱-۱.
- بدیو، آلن (۱۳۹۷). در ستایش عشق، تهران: انتشارات تیسرا.
- برناردز، جان (۱۳۹۶). درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.

پورافکاری، نصراله، مهدخت عنبری روزبهائی و بهزاد حکیمی نیا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی و نگرش به ازدواج، مطالعه موردی: دانشجویان دختر ۲۵-۱۸ سال دانشگاه اصفهان، فصلنامه تحصیلی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، سال ۷، شماره ۲، صص ۷۳-۹۸.

سازمان ثبت احوال کل کشور (۱۳۹۵). دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، قابل دسترس در: www.sabteahval.ir

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه (۱۳۹۶). آمایش استان کرمانشاه، طرح پژوهشی. سگالن، مارتین (۱۳۸۵). جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.

سیف زاده، علی و علی قنبری برزیان (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در نگرش دانشجویان دانشگاه پیام نور محلات درخصوص ازدواج، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۱۱۴-۸۹.

گرنسهایم، بک (۱۳۸۸). خانواده در جهان امروز، ترجمه افسر افشاری نادری و بیتا مدنی، تهران: انتشارات مترجم.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

مجدی، علی اکبر و امید رضایی (۱۳۹۰). سنجش نگرش دانشجویان پسر مجرد دانشگاه فردوسی نسبت به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۸۳-۱۶۵.

Frejka, Tomas and et al (2008). Summary and general conclusions: Childbearing Trends and Policies in Europe, *Demographic Research*, Vol. 19, No, 2: 5-14.

Hoem, J. M., D. Kostova, A. Jasilioniene & C. Mureşan (2008). Traces of the Second Demographic Transition in Four Selected Countries in Central and Eastern Europe: Union Formation as a Demographic Manifestation, *Euro J Population*, DOI 10.1007/s10680-009-9177-y.

Lesthaeghe, R. & K. Neels (2002). From the First to the Second Demographic Transition: An Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland, *European Journal of Population*, 18: 325-360.

Malhotra, A., A. Tsui, & V. de Silva (1992). Mothers, Daughters and Marriage: Explaining Similarity in Generational Perceptions in Sri Lanka, Unpublished Report. In www.popline.org.

Martin, P., G. Specter, D. Martin, & M. Martin (2003). Expressed Attitudes of Adolescents toward marriage and family life, *Adolescence*, 38 (150): 359-367.

World Value Survey (2020) in <http://www.worldvaluessurvey.org/WVSONline.jsp>.

A Survey of the Attitudes of Young People Aged 20 to 35 Years Old to Marriage in Kermanshah City

Maryam Sepehrara*, Vakil Ahmadi**, Jalil Karimi***

Abstract

In the last two decades, the marriage squeeze and economic problems in the family in Kermanshah province have been more pronounced in comparison with other provinces of the country, and this has had an effect on the attitude towards marriage. The aim of this article is to examine the attitudes of young people towards marriage. The research was conducted as a survey with a sample of 384 young people aged 20 to 35 years old in Kermanshah. Findings showed that in general, the attitude of young people towards marriage was positive. The results of analysis of variance showed that the average attitudes toward marriage of women, widows, employed and housewives, people living in neighborhoods with moderate and low welfare and people with Kord ethnicity and Lak ethnicity were more stained and significantly different from other sub-populations. Analysis of variance/covariance showed that the main effect of marital status, gender and place of residence on the attitude towards marriage was significant. In general, despite observing the difference in the average attitude of young people towards marriage in some sub-populations due to economic losses, There is a kind of convergence in the attitude of the youth of Kermanshah towards marriage.

Keywords: Marriage, youth, ethnicity, religion, gender, Kermanshah.

* Master student, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah. E-mail: sepehrara1369@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, (Corresponding Author). E-mail: v.ahmadi@razi.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah. E-mail: j.karimi@razi.ac.ir